

کسی است که با سر خرقه نیستی خود رفته باشد و احتیاج  
موجودی را **بیت** چنان در نیستی غرقم که معشوقم می گوید  
بیا با من دی بنشین **بیت** اویم نمی دایم ای سالک راه حق  
اگر خواهی فقر حقیقی را معلوم کنی از رسول صلی الله علیه و سلم  
فرموده است **بیت** الشیعة القوالی والطریفة افعالی والحقیقة افعال  
والموفیة کس مالی والفضل **بیت** دینی وللب اساسی والمنون  
مرکبی واللحن رفیق العلم سلاحی والحلم ریحانی والتوکل رضی  
والقناعة کزنی والصدق منزلی والیقین ثاویلی والفقر حزنی  
وبه افتخر علی سائر الخلائق والانبیاء والمرسلین ای سالک راه  
حق بدان که فقر نیستیست یعنی عدم صریح پس هر وقت که سالک  
بقره رسد **بیت** بدانند که اصلا او را تمکین نبوده است

بیت  
بیت

وهر چیزی را که خود اضافه می کرده است بضرورت با سر وقت  
نا بود خود رود فقر او بکمال رسد و رسول پنجین فقری  
کرده است که **بیت** فقری است که نه فقر از خویشانی پیدا میکند  
پس سواد الوجوه فی الدارین چیست و آنچه فرموده اند که **بیت**  
سواد الوجوه فی الدارین هر چند درین معنی اختلافی بسیار  
کرده اند اما خلاصه سخن آنست که فقر حقیقی عبارتست  
از عدم حارون و مراد بسواد الوجوه فی الدارین فنای سالک است  
در دنیا و آخرت زیرا که سواد وظلمت معنی عدم آمده است  
و نور و بقا ملازم وجود اند و چون علی الحقیقة حق است پس  
فقر در عدم به **بیت** هراقت خود با سندی و فقر حقیقی حاصل  
نشود الا به فنای سالک در دین هرگاه که اضافه **بیت**